

## ضرورت اتحاد نیروهای مترقی برای نجات جان زندانیان سیاسی

شکنجه و اعدام توده ایها و دیگر نیروهای انقلابی همچنان در سیاهچالهای ج.ا. با شدت و حدت ادامه دارد. هراز چندی خبر کشته شدن برخی از اعضای رهبری و کادریهای حزب توده ایران در افواه منتشر می شود. با وجودیکه رژیم با برخی تغییرات و فعل و انفعالات سطحی در کادر زندانبانان و شکنجه گران و براه انداختن قبیل و قال و تبلیغات بی اساس وانمود می کند که در سیاست شکنجه زندانیان سیاسی تجدید نظر کرده است، شواهد و قرائن موجود عکس آفران نشان می دهد.

آقای منتظری در دیدار با مسئولین حفاظتی و اداری و دادیارهای زندانهای اوین، قزل حصار، رجائی شهر (گوهردشت) و زندان اصفهان می گوید: "اسلام هیچگاه اجازه انتقام گیری و کارهای خشن و برخوردی غیرانسانی را با زندانیان نمی دهد." "اسلام اجازه ضرب و شتم و توهین و امثال آنرا نداده و فقط باید حکم محکمه در مورد آنها بدون کم و زیاد اجرا شود و اگر کسی علاوه بر حکم دادگاه عملی انجام داد باید شرعا قصاص شود....."

بیان این مسائل و چنین سفارشیایی به شکنجه گران دلیل موکد بر وجود شکنجه های حیوانی در سیاهچالهای رژیم است. اخبار رسیده از زندانها حاکی از آن است که بخصوص در بند "۲۸" یعنی همان " کمیته مشترک ضد خرابکاری" سابق، شکنجه نیروهای انقلابی به بقیه در صفحه ۲

### اینان کی اند؟

در صفحه ۷

افزایش قیمت ها نسبت به سال گذشته را "۲۰ تا ۲۰۰ درصد و در برخی موارد بیش از ۲۰۰ درصد ذکر کرده است. همین روزنامه در تاریخ ۱۱/۱۲/۶۲ از زبان مشاور کارگری نخست وزیر نوشت: "کالاها ۲۰۰ تا ۲۰۰ درصد و حتی در بعضی موارد ۴۰۰ تا ۵۰۰ درصد اضافه قیمت داشته اند". در دیماه ۶۲ قائم مقام وزارت کار در روزنامه اطلاعات اعتراف کرد که: "کارگران با ۲ مشکل اساسی روبرو هستند، دستمزد، درمان و مسکن". در سال ۶۲ رییس دیوانعالی کشور اظهار داشت که: "با کمتر از شش، هفت هزار تومان در ماه نمی توان زندگی کرد". اما رییس دیوانعالی کشور و دیگر رهبران ج.ا. هرگز توضیح نمی دهند که چرا حداقل دستمزد کارگران را ۲ تا ۴ برابر کمتر از آنچه بعنوان حداقل در آمد ضرور تشخیص داده اند، تعیین می کنند. این اقدام شوری عالی کار، به معنای سلب حق زندگی از زحمتکشان و فرزندان آنهاست.

واقعیات زندگی به زحمتکشان نشان داده است که اینگونه اظهار ممدردی ها مرکز به اقدام عملی بقیه در صفحه ۵

## متن سخنرانی نماینده هیأت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران

دردومین کنفرانس احزاب کمونیست و کارگری مدیترانه خاوری، خاور نزدیک و میانه و دریای سرخ که از تاریخ ۱۰ تا ۱۲ ژانویه ۱۹۸۵ در نیکوزیا پایتخت قبرس برگزار شد  
رفقای عزیز  
آورده اند. این کنفرانسها، ام  
از منطقه ای یا جهانی بسیار  
سودمندند و به احزاب برادر  
فرصت و امکان می دهند تا در  
محیط تفاهم متقابل، دوستی و  
همیاری مسائل مشترک را مورد  
تجمع ما را در اینجا فراهم  
بقیه در صفحه ۴

### افزایش دستمزدها:

#### خواست عمومی کارگران و زحمتکشان

شورای عالی کار که وظیفه تعیین حداقل دستمزد کارگران و ضرائب تاثیر آن در دیگر سطوح دستمزد را به عهده دارد، برای مدت ۵ سال از ۱۲۵۹ تا ۱۲۶۲ حداقل دستمزد کارگران ساده را به میزان روزانه ۶۲۵ ریال ثابت نگاهداشته است. در این ۵ سال قدرت خرید زحمتکشان و سطح زندگی آنان نه تنها ثابت نمانده بلکه در اثر گرانی مایحتاج عمومی و تورم لجام کسینخته اقتصادی و غارتگری سرمایه داران بزرگ به زیر خط فقر تنزل کرده است. البته کارگران میهن ما در برابر این تصمیم که تنها پسود سرمایه داران و بزیان زحمتکشان اتخاذ شد ساکت نماندند. کارگران در این مدت برای حفظ سطح زندگی خود و علیه سیاست ضدکارگری رژیم ج.ا. به اشکال مختلف مبارزه کردند. در سالهای اخیر که حاکمان مرتجع و کارگرسنج ج.ا. نقاب تزویران زهره برگرفته اند و علنا از سرمایه داران دفاع می کنند، مبارزات کارگران نیز برای تحقق خواستهایشان اوج بیشتری گرفته است. مبارزات اعتصابی کارگران در سال ۶۲ عدتا با خواست افزایش دستمزد و اعتلای سطح مادی و معنوی زندگی زحمتکشان همراه بوده است.

اکنون مبارزه بخاطر افزایش حداقل دستمزد به امر مشترک طبقه کارگر میهن ما بدل شده است.

#### سطح زندگی زحمتکشان روزبه روز تنزل کرده است

گرانی مایحتاج عمومی در ۵ سال، درآمدهای ناچیز کارگران را بلعیده است. مطبوعات و برخی از مقامات رسمی حکومت که از اوچگیری جنبش اعتصابی کارگران متوحش شده اند، بقصد فریب زحمتکشان، به گوشه هایی از حقایق مربوطه تورم و گرانی اشاره می کنند و سالوسانه برای کارگران دل می سوزانند. کویی خود آنها طراح، مجری یا مباشر سیاست تحمیل فقر به زحمتکشان نبوده اند. روزنامه اطلاعات در تاریخ ۲۷/۱۱/۵۹ میزان



دوره هشتم، سال اول، شماره ۳۴  
پنجشنبه ۴ بهمن ۱۳۶۲  
بها: ۲۰ ریال

## اندوه زندگی در رژیم ولایت فقیه

زندگی در کشور "ولایت فقیه"، غم انگیز و دردناک است. این غم و درد را همه احساس می کنند، ولی غالبا امکان ابراز آن را ندارند. در این کشور، خرد، اندیشه، منطق و احساس انسانی، جای خود را به ترهات و اباطیلی داده اند که از مغز پوک، قلب تاریک یک مشت روحانی نمای قشری بی فرهنگ تراوش می کنند. به صفحات اول، چهار روزنامه ای که صبح و عصر در تهران منتشر میشوند، یعنی جمهوری اسلامی، صبح آزادگان، کیهان و اطلاعات نگاه کنید. صفحات این روزنامه ها، آینه تمام نمای زندگی کسالت آور و اندوهباری است که در کشور ما جریان دارد. معمولاً در صفحات اول این چهار روزنامه، دو تا سه عکس از چهار پنج عکس کهنه از چند سرکرده رژیم ولایت فقیه، یعنی "آیت الله خمینی"، ولایت عهد عظمی، رئیس جمهوری مکتبی، و رئیس مجلس اسلامی، و گاهی هم نخست وزیر، و به تناوب یکی دو آخوند دیگر چاپ میشود. هریک از اینها بنا به موقعیت یک مشت آسمان و ریسمان، یک مشت اراجیف بهم می بافند که با عنوان های درشت، بعنوان "رهنمودهای ارائه شده"، زینت صفحات نخست روزنامه ها می شود. تنها تگاهی به عکسهای این روزنامه ها کافی است که هر ایرانی با فرهنگی را دچار اشمساز کند. ناشر این ورق پاره ها حتی بخود زحمت نمی دهند، که لااقل این عکسهای تکراری را هر چند یکبار نوب کنند، خواننده مجبور است، قیافه ای را که در اصل شوم و منحوس است، و دیدن حتی یکبار آن هم چندان آزار است، صدها و صدها بار ببیند و اباطیلی را که حتی یکبار هم به زحمت می توان شنید، صدها بار بشنود. رادیو و تلویزیون دولتی هم که باید آن را در واقع صدا و سیما اسلام فقهاتی نامید، کار این ورق پاره ها را تکمیل و عکسها و تفصیلهای چندان آور آنها را در برنامه های خود بارها تکرار می کند.

این آقایان چه می گویند؟ در واقع هیچ، یا بهتر بقیه در صفحه ۲

وحدت عمل برای نجات جان زندانیان سیاسی، وظیفه عاجل  
نیروهای دمکراتیک و مترقی است!

## اندوه زندگی در رژیم ولایت فقیه

از شکست فاشیسم در جنگ جهانی دوم، در سومین مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸، تحت عنوان اعلامیه عمومی درباره حقوق بشر، از تصویب گذشت و در سالهای بعد، با تصویب یک رشته کنوانسیونهای جدید تکمیل شد. قبل از این سند، اسناد دیگری در زمینه حقوق بشر منتشر شده بود که به ترتیب عبارت بودند: منشور حقوق (۱۶۸۹)، منشور ویرجینیادرباره حقوق بشر، (۱۷۷۶) و اعلامیه حقوق بشر محصول انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۸۹). این اسناد محصول حوادث و تحولات عظیم تاریخی و دستاورد قرنها کوشش و تلاش انسانها در اقطار جهان بوده‌اند. اعلامیه سال ۱۹۴۶، بعد از جنگ جهانی دوم به تصویب رسید، که بیش از ۵۰ میلیون انسان را یکام خود کشیده و نیبی از جهان را ویران کرده بود. البته نماینده ولایت فقیه، باین حرفها کاری ندارد، برای او ماخذ حقون بشر فقط "اسلام" است، و اسلام هم فقط نوع فقهائنی آن، و نوع فقهائنی آن هم فقط آن چرندیاتی که از مغز پوک چند روحانی‌نمای جاهل، قشری و سیاهدل تراوش می‌کند. از مظاهر حقوق بشر اسلام فقهائنی، شلاق زدن، سنگسار کردن، قطع دست و پا، شکنجه‌های وحشیانه، شکستن حرمت خانواده‌ها، بی‌عفت کردن زنان، دزدیدن اموال مردم و غیره و غیره است.

زندگی در رسایه رژیم ولایت فقیه غم انگیز و آزاردهنده است. با روح، فرهنگ و سنت های ملت ما، که آزادی، تحمل، سعه صدر، و عطفوت از مظاهر آنست، تعارض تام دارد. ملت ما زیر این بار نخواهد رفت. این خفت، حقارت و تحقیر را تحمل نخواهد کرد. این ورق پاره‌هایی که نام روزنامه بخود داده‌اند، و کارشان چاپ زدن قیافه‌های کربیه چند فقیه نوع فقهائنی است، در کار خود ناکام خواهند شد. این زنجیرها دیرباز زود خواهند گسست. این سد را آب خواهد برد. در این کوچکترین تردید نیست. خوش بین باشیم، متحد شویم، مبارزه کنیم. حتما پیروز خواهیم شد.

زندانیان شبیه اثر باقیمانده از نیش چاقویا سوزش سیکار باقی می‌ماند. سوزاندن بدن زندانی با آتش سیکار نیز یکی دیگر از سرگرمی‌های شکنجه گران است.

در شرایط کنونی دستگاه معروف آپولو و دستگاههای نظیر آن نیز پکار گرفته می‌شود. آپولو شبیه یک تخت فئری تاشده است که با زنجیرهای بلند به سقف شکنجه گاه وصل است. زندانی راها تسمه از پشت به آپولو می‌بندند و دست و پای او را در قلاب‌هایی که بوسیله پیچ و مهره محکم می‌شود، مهار می‌کنند. سپس سرپوش مخصوص را روی سرش کشیده و بعد با شلاق سیمی به کف پایش می‌زنند. در این شرایط زندانی به هیچ وجه نمی‌تواند تکان بخورد، حتی در برابر شدیدترین ضربات. اینها تنها گوشه‌هایی از جنایات رژیم است که ادعا میکنند در زندانهای ج.ا. شکنجه وجود ندارد. یادآوری این واقعیت‌های ضد انسانی به بقیه در صفحه ۷

بقیه از صفحه ۱

پتویم انبوهی ابا طیل، که در بسته بندیهای مختلف عرضه می‌شود. "ولایت عهدعظمی" که از دارالخلافه قم سخن می‌گوید، در دوره اخیر گوی سبقت از همتنان رپوده است. او درباره مطلبی نیست که "رهنمودارائه نهد". از مسائل اقتصادی گرفته تا مطالب مربوط به سیاست خارجی، اخلاق، فلسفه، حقوق، منطق، فقه، اصول، کلام و مسائل مربوط به قدرت رزمی نیروهای زمینی، موتور هواپیماهای اف ۴، و غیره و غیره. چهار پنج قیافه منحوس دیگر هم که هر روز از صفحات روزنامه‌های چهارگانه به ریش مردم اسیر ایران می‌خندند، از "ولایت عهدعظمی" دست کم ندارند. البته هر یک با مختصات خود. برای این آقایان چهل میلیون مردم ایران، مانند اسیرانی محکوم به تبعیت از اوامر مطاع آنها هستند و هرگونه تخطی آنها، مستوجب عذاب الیم است.

مدتی پیش مرد سفیدی که رچایی خراسانی نام دارد و نماینده "ولایت فقیه" در سازمان ملل متحد است، نطقی درباره حقوق بشر و سیاست رژیم ایران ایراد کرد که در نوع خود، در زندگینامه این سازمان جهانی بیمانند است. این شخص گفت: "ما به حقوق اسلامی متعهدیم نه به چیز دیگر. بنظر ما کنوانسیون‌های بین‌المللی از جمله اعلامیه حقوق بشر و میثاقهای آن در حدی معتبرند که با اسلام سازگارند... اعلامیه حقوق بشر و مستخرجان آن برای ما پایه فضاوت و بی‌معیار اتخاذ تصمیم نمی‌باشند... اعلامیه حقوق بشر سندی است که بیشتر معرف برداشت مادی کرایانه از فرهنگ یهودی - مسیحی است که توسط چند نفر تنظیم شده... در مفاد اعلامیه حقوق بشر، آنچه را که برخلاف اسلام است، ما با کمال افتخار علی‌الدوام نقض خواهیم کرد...".

اعلامیه حقوق بشر، که نماینده ولایت فقیه اینگونه از آن یاد می‌کند، مقصود سندیست که بعد دژخیمان ج.ا. علاوه بر انواع کابل‌ها و تازیانه‌ها از پکار بردن پنجه پکس نیز ابایی ندارند. ضربه‌های محکم پنجه پکس گاهی موجب شکستگی استخوان می‌شود.

در "بند ۲۸" نیز زندانیان و ادار می‌شوند که به یکدیگر توهین کنند. اگر کسی تمرد کند باید منتظر شدیدترین و وحشیانه‌ترین مجازاتها باشد. زندانیانی که زیر بار تسلیم نمی‌روند زیر شوک الکتریکی قرار می‌گیرند. آنها را روی یک صفحه فلزی مخصوص می‌خوابانند، دست و پایشان را با حلقه و تسمه‌های مخصوص می‌بندند سپس با فرو کردن یک گیره فلزی در بینی و قراردادن آن روی دستها یا وصل کردن آن به آلت تناسلی به آنها شوک الکتریکی می‌دهند. شوک برقی سبب تکانهای بسیار شدید در بدن می‌شود و عرق‌های ناشی از آن تا ماهها در بدن زندانی باقی می‌ماند. حتی یادآوری این شکنجه، سببانه موجب تشدید عرقه در بدن می‌شود. آثار شوک برقی روی بدن

## ضرورت اتحاد

بقیه از صفحه ۱

وحشیانه‌ترین شکلی همچنان ادامه دارد. بخصوص که این روزها موج دستگیریها افزایش یافته است و ماموران تا دندان مسلح رژیم، با کوچکترین سوظنی نسبت به اشخاص در خیابانها و اماکن عمومی، آنها را کت پسته، از جمله به این بند جنایت منتقل کرده و در دخمه‌ها به تازیانه می‌کشند.

"بند ۲۸" خیلی بیشتر از ظرفیت اصلی، میهن پرستان را در دل سیاه خود جاداده است. بطوریکه در سلولهای یک متر در دو متر آن گاهی تا شش نفر گنجانده می‌شوند. در اثر کثرت جمعیت در این سلولهای در بسته و کمبود اکسیژن تنفس به سختی انجام می‌شود. در راهروها و بندهای مختلف دامنای صدای ضجه کسانی شنیده می‌شود که بیکانه و بهرم دفاع از میهن زیر ساطوردژخیمان کشیده شده‌اند. زندانیان مجروح قادر به حرکت نیستند و به طرز رقت‌باری زیر باران مشت و لگدمجریان "عدالت اسلامی" از اینسو به آنسو کشیده می‌شوند. در زیر زمین‌های تاریک "بند ۲۸" رطوبت به حدی است که جای نفس کشیدن باقی نمی‌ماند. بسیاری از زندانیان توده‌ای تقریبا هر روز در این زیرزمین‌ها، ساعت‌های متوالی تحت "بازجویی" و انواع شکنجه‌های قرون وسطایی قرار می‌گیرند و دیرگاهان بیکر نیمه جان و خونین آنها مثل لخته گوشت به سلولها منتقل می‌شود. هر زندانی علاوه بر آنکه خود در وضعیت روحی و جسمی بدی قرار دارد، ناظر شکنجه و زجردها زندانی دیگر و ناگزیر از تیمارداری آنهاست. شکنجه گران ج.ا. از این طریق می‌کوشند روحیه مقاوم نیروهای انقلابی را درهم بشکنند. در "بند ۲۸" خوراک کافی، بهداشت و پزشک و دارو وجود ندارد. اغلب شها و نیمه شها "بازچوها" به بند می‌آیند و با تهدید و دشنام و مشت و لگد گروهی از زندانیان را کشان کشان به شکنجه گاهها و اتاقهای تمشیت که نسبت به دوران حکومت شاه - ساواک به چند برابر افزایش یافته است، می‌برند. زندانیان بی‌شرمانه تهدید می‌شوند که در صورت ادامه مقاومت مسر و فرزندانشان نیز دستگیر می‌شوند و زیر شکنجه قرار می‌گیرند. اغلب شها و نیمه شها در هوای آزاد که سردی هوا به چند درجه زیر صفر می‌رسد، چند نفر شکنجه گرد آن واحد با کابل و شلاق به چان زندانیان نیمه لخت می‌افندند و با عرپده‌های خاموش نشدنی برایشان رجز می‌خوانند. آنها قربانیان خود را و می‌دارند که با پایهای برهنه و مجروح در حالیکه پشت می‌لرزند ساعتها در محوطه زندان بدوند. فریادهای دلخراش انقلابیون زیر شکنجه تا دمدمای صبح ادامه دارد. سپس بلافاصله بلندگوها شروع به پخش نوحه می‌کنند و مانع خواب زندانیان می‌شوند. میزان قساوت بحدی است که قلم از بیان آن عاجز می‌ماند. شکنجه گران گاهی چنگ در شکم زندانی می‌اندازند و می‌کوشند امعاء و احشاء داخلی بدن را در دست بگیرند. در این شرایط درد شدیدی عارض می‌شود.

## نکاتی درباره اجرای موفقیت آمیز قرار سازمانی

در شرایط ترور و اختناق پلیسی اجرای موفقیت آمیز و تنظیم قرارهای سازمانی یکی از عوامل پر اهمیت ادامه کاری فعالیت انقلابی است. نادیده گرفتن ریزه کاری ها و نکات امنیتی در اجرای قرار میتواند سرچشمه خطر دستگیری عنصر انقلابی و ضربه پذیری شاخه و هسته حزبی گردد. برای آنکه قرار سازمانی خوب و مطمئن برگزار شود، باید نکات زیر را دقیقاً در نظر داشت و در عمل بکار بست:

★ **قرار خوب و مطمئن، قرار است که قبل از برگزاری آن، از همه جهت، تدارک دیده شود و بی خطر بودن آن تا سرحد امکان تضمین گردد.**

★ **پیش از اجرای قرار رفقایی که به دیدار یکدیگر می روند حتماً باید علامت سلامتی از یکدیگر دریافت کنند. دریافت علامت سلامتی بسته به امکانات و نوع رابطه طرفین فرق می کند. بدین منظور، میتوان از جمله از تلفن شخص ثالث، علامت گذاری یا چسباندن آکھی معین در محل معین بهره مند شد.**

★ **محل قرار باید محل مناسب و بیرون از محدوده اماکن اصلی تحت نظر دائمی پلیس باشد. میدان ها و چهارراه های اصلی، پارک ها، ایستگاه های اتوبوس، مقابل پاچه های تلفن ویژه در خیابان ها و چهارراه های اصلی، روپروی سینماها و فروشگاه های بزرگ، کافه قنادی ها مهم ترین مراکز تحت نظر گشت ها و پادوهای خبرچین سپاه و بسیج هستند.**

★ **مردورفقی که سر قرار می روند از موقعیت محل قرار حتماً باید شناسایی کامل و نسبتاً دقیق داشته باشند تا در صورت بروز حادثه غیر منتظره بتوانند خود را از تور بیگرد و تعقیب پلیس و مهلکه خطر خارج سازند. در این رابطه، محل قرار جایی باید انتخاب شود که برای رفقا میدان دید کافی جهت کنترل اطراف وجود داشته باشد.**

★ **اگر بنا به دلایلی ناگزیر هستید برای گذاردن قرار از تلفن استفاده کنید، از آنجائیکه تلفن ها تحت کنترل هستند، برای پیشگیری از بروز هرگونه تصادفی، حتماً از تلفن عمومی استفاده کنید. هنگام تماس از طریق تلفن عمومی، لزوماً باید برای این کار توجیه ظاهر پسند و منطقی داشته باشید. چون در موارد بسیاری دیده شده است، بلافاصله بعد از آنکه فردی - بخصوص که جوان باشد - از پاچه تلفن خارج شده، ماموران گشت او را بعنوان شخصی مظنون دستگیر کرده اند و درباره شخص و جایی که او تلفن زده، فرد را سؤال بیچ کرده اند. حتی در مواردی، شماره تلفنی را که فرد با آن تماس گرفته است از او خواسته اند و برای دریافتن به صحت و سقم سخنان فرد بازداشتی با شماره تلفن دریافتی تماس گرفته اند. کسانی که از تلفن عمومی استفاده می کنند، مرکز پیش از یک یا دو سکه ریالی در بین پول خردهای خود نباید نگهدارند. همیشه از یک پاچه معین برای تلفن زدن - آنها بخاطر نزدیک بودن به محل کار یا زندگی - نباید استفاده کرد.**

★ **رفقا پیش از رفتن سر قرار و پس از بازگشت از قرار حتماً بایستی خود را با گذراندن از فیلترهای گوناگون کنترل و با عملیات ضد تعقیب بدور از هرگونه "آرتیست بازی" باصطلاح "چک" یا بررسی کنند تا مبادا تحت نظر باشند.**

★ **در فاصله بین دو قرار اگر به دلایلی واقعی فکری کنید که محل کار یا زندگی شما تحت نظر قرار گرفته است، بدون شناپردگی و باکمال خونسردی خوب خود را چک کنید. اگر دلایل تاحدی جدی است، بیدرتک تماس خود را تا روشن شدن وضع، با شاخه و هسته حزبی قطع کنید. در همان حال، به مطمئن ترین شکل و از راه غیر مستقیم - که نحوه آن از قبل پیش بینی و تمرین شده است - به رفقای هم‌رمز خود اطلاع دهید که نمی توانید سر قرار حاضر شوید. در مدت قطع تماس هم فرد تحت نظر به هیچ وجه، به هیچ یک از محل هایی که با سرزدن او، امنیت آنها برای بهره برداری بالفعل یا آینده شاخه یا هسته حزبی به خطر می افتد، اکید نباید مراجعه کند.**

★ **رفقایی که به دیدار یکدیگر می روند، باید حتماً از پیش بین خود قرار مدارهایی بگذارند که اگر تصادفاً دستگیر شدند یا مورد سؤال و جواب گشت های خیابانی قرار گرفتند چه پاسخ هایی را بدهند که توجیه کننده دوستی عادی و آشنایی طبیعی باشد. در پاسخ های هر دو رفیق تناقض و دوگانگی نباید وجود داشته باشد.**

★ **در موقع اجرای قرار خونسردی و برخورد سنجیده عامل بسیار مهمی است. چون در میادین و خیابان های اصلی و فرعی انواع گشت های بانام و بی نام و نشان در حال گشت و رفت و آمد هستند، هر لحظه امکان آن وجود دارد که یکی از آنها از جلوی شما رد شود یا در برابر شما توقف کند. یا اگر با اتومبیل به طرف محل قرار می رود با آنها هم مسیر شوید. در صورت بروز چنین مواردی باید با کمال خونسردی، بدون آنکه دست و پوی خود را گم کنید یا اعمال شک برانگیز از شما سرزنند، به راه خود بروید و خود را چک کنید، تا به علت آن پدیده بی بپرید. چون در بسیاری مواقع این پدیده ها جز یک تصادف ساده پیش نیست.**

★ **در شرایط ترور و خلفان پلیسی وقت شناسی و انضباط برای پیشبرد مبارزه انقلابی و اجرای قرارهای سازمانی اهمیت فوق العاده و گاه تعیین کننده دارد. زود یا دیر حاضر شدن در سر قرار میتواند منبع خطر و لو رفتن قرار شود. برای آنکه دقیقاً در موعد مقرر در سر قرار حاضر شوید، همواره باید با پیش بینی تصادف های غیر مترقبه همانند کبیر کردن در راهبندان یا خراب شدن یا تصادف وسیله نقلیه، برنامه حرکت خود بسوی محل قرار را طوری تنظیم و اجرا کنید که پیش از موعد قرار در حوالی محل اصلی قرار باشید. در صورت زود رسیدن به محل قراره پرسه زدن در محل اصلی قرار و رفت و آمدهای مکرر از آنجا جایز نیست. از محل قرار یک بار بیشتر نباید گذر کرد، آنها در موعد قرار.**

★ **در روز قرار، یک ساعت قبل از قرار، ساعت خود را با رادیو یا یک ساعت دقیق و مطمئن میزان کنید. دقایقی پیش از موعد قرار، خود را به حوالی محل اصلی قرار برسانید. دقایقی دیر یا زود در محل اصلی قرار حاضر شدن میتواند خطر آفرین باشد و باعث لو رفتن یا سوختن قرار شود. هر قرار باید لزوماً با قرار فوری دوم با فاصله کمتر از یک ساعت و یک قرار مدت دار با فاصله چند روز در همان محل یا محل دیگری همراه باشد. قرار فوری بخاطر آنست که امکان دارد، در اثر یک تصادف پیش بینی نشده همانند خرابی ساعت یا کبیر کردن در راهبندان، رفیقی چند دقیقه دیر سر قرار برسد. در اینصورت در قرار دوم دیدار انجام می گیرد. البته باید تاکید کرد که در کار سازمانی اصل آنست که با رعایت دقیق انضباط و وقت شناسی هیچگاه نیازی به قرار دوم نبیفتد. قرار مدت دار هم بخاطر آنست که اگر رفیقی در قرار اصلی و قرار فوری دوم هم نیا مد، در مدت چند روز علت سر قرار حاضر نشدن او برای هم‌رمزش روشن شود.**

در قرار خیابانی، برای رسیدن به محل قرار بهتر است، طرفین قرار از روپروی یکدیگر به محل قرار نزدیک شوند، که هر یک از آنها بتواند پشت سر دیگری را کنترل کنند.

★ **توجیه و امکانات عادی سازی: مبارز انقلابی همواره و در همه حال بویژه در سر قرار، حتماً باید برای حضور خود در آن محل توجیه منطقی پسند داشته باشد. در عین حال از محل ها و امکانات عادی سازی ضرور بی بهره نباشد. یعنی علت حضورش در این خیابان، ایستادن نامنتظره در برابرین دکان و فروشگاه، صحبت کردن با این یا آن فرد و نسبت و رابطه طرفین قرار و مسائل مورد گفتگو بین آنها ظاهراً روشن باشد و ابهام کسی را بر نیانگیزد.**

★ **طرز رفتار و صحبت کردن در سر قرار باید بسیار طبیعی باشد. در قرار خیابانی، تا سرحد امکان از قبل باید کلماتی عادی جایگزین اصطلاحات و مقولات سیاسی و سازمانی شود، تادر معابر و گذرگاه ها ناگزیر نباشید صدای خویش را پائین و بالا ببرید و یا حالت درگوشی و محرمانه صحبت کردن به خود بگیریید. مثلاً میتوان مبنای صحبت را خرید یا اجاره خانه قرار داد و خانه را "حزب" و اجاره را "حق عضویت" در نظر داشت.**

در سر قرار یا هنگام رفتن به سر قرار، دویدن و شناپردگی های بی مورد بویژه در اماکن تحت نظر، پائیدن ناشیانه دور و بر خود و یا باشتاب سوار تاکسی یا اتوبوس شدن شک برانگیز است.

★ **تیپ سازی: وقتی سر قرار حاضر می شوید، سرو وضع و تیپ خود را طوری باید بسازید که اولاً با آن تیپ های اجتماعی که معمولاً در آن محیط رفت و آمد دارند، همخوان باشد و ثانیاً برای پلیس شک برانگیز نباشد.**

## متن سخنرانی...

بقیه از صفحه ۱  
معضلات ملی و بین المللی که با آن روبرویند پاسخ های مشترک بپویند.

در دهه های اخیر، پراثر رشد طوفانی دانش و تکنولوژی، جهان ما بسیار کوچک شده است. زندگی و مبارزه ملت ها، احزاب و جنبش ها، باهم پیوند نزدیک یافته اند. این امر پیروزه در مورد احزابی صادقست که دارای ایدئولوژی مشترک و پایه های اجتماعی و سیاسی مشترک هستند و بخاطر هدف های مشترک پیکار می کنند. برای این احزاب تماس پیوسته، و تبادل دانش افکار و تجارب دارای اهمیت اساسی است. بهمین جهت ما، هر ابتکاری را که در زمینه پرکزاری اینگونه کنفرانس ها بعمل آید، چه در مقیاس منطقه ای و چه در مقیاس جهانی، قویاً تأیید می کنیم.

رفقا، پس از نخستین کنفرانس ما که در سال ۱۹۸۱ تشکیل شد حوادث مهمی در جهان روی داده است. امپریالیسم و ارتجاع، در سراسر جهان فعالیت های خرابکارانه خود را بر ضد احزاب و جنبش های ترقیخواه، بر ضد دولت های خلقی و دمکراتیک، تشدید کرده اند. مسابقه تسلیحاتی به مرحله بیسابقه ای رسیده است. پس از استقرار موشک های پرشینگ ۲ و کروزد در اروپای غربی، امپریالیسم آمریکا اکنون در کار اجرای برنامه خطرناکی است که هدف آن نظامی کردن فضای کیهانی است.

در سالهای اخیر تمام ابتکارات صلحجویانه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی از جانب ایالات متحده آمریکا رد شده است. بر اثر سیاست های دولت ریگان، خطر یک فاجعه اتمی به مقیاس بی سابقه ای افزایش یافته است. امروزه تنها یک کشور، یا یک ملت، بلکه سیاره مادر مجموع خود و نژاد انسان و تمدن آن در تمامیت خود، در معرض انهدام کامل قرار دارند. از همین روست که با اعتقاد ما، دفاع از صلح مهمترین وظیفه دوران ماست. هر امر دیگر، از هر قبیل، ملی یا بین المللی باید تابع امر صلح شود.

رفقا، ما کمونیست ها معتقدیم که همگرایی سیستم های سوسیالیستی و سرمایه داری غیر ممکن است. ولی در همانحال، اعتقاد استوار داریم که همزیستی صلح آمیز نظام های اجتماعی مختلف، نه تنها ممکن، بلکه اجتناب ناپذیر است. همزیستی مسالمت آمیز، در صورت اجرا میتواند به ایجاد تفاهم بین المللی، به تنش زدایی، به حل مسالمت آمیز مسائل متنازع و سرانجام به تخفیف مسابقه تسلیحاتی و خلع سلاح منجر شود.

رفقای عزیز،

اکنون اجازه بدهید تا باختصار درباره کشورمان ایران برای شما سخن بگویم. بطوریکه می دانید گروه روحانیون مرتجعی که در جمهوری اسلامی حکومت می کنند، پس از خیانت به انقلاب، در فوریه ۱۹۸۲ یورش ناگهانی همه جانبه خود را به حزب ما آغاز کرد. گروه کثیری از رهبران و اعضاء

حزب بازداشت و به زندان ها اعزام شدند. دولت، حزب ما را رسماً غیر قانونی اعلام کرد و اموال آن را مصادره نمود. همین ماجرا در مورد آن سازمانهای توده ای که با حزب ما پیوند داشتند تکرار شد. حزب ما، در حقیقت، تنها مانع اساسی در راه خاشنین به انقلاب بود که قصد داشتند فرمانروایی استبدادی خود را بر مین ما تحمیل کنند. توطئه گران می دانستند، تا زمانی که حزب ما زنده است، آنها قادر به حصول به مقصود خود نخواهند بود. هجوم به حزب با پشتیبانی سرمایه داران و زمینداران بزرگ و بازمانده های رژیم گذشته انجام گرفت. محافل امپریالیستی بنوبه خود رضایت کامل خویش را از توطئه گران ابراز داشتند.

با هجوم به حزب ما روحانیون بنیادگرای قشری، بازپسین پیوندهای خود را با انقلاب پریدند و به آرمان های والایی که هزاران مین پرست و دمکرات ایرانی در راه آنها جان داده بودند، خیانت کردند.

آماجهای اساسی انقلاب عبارت بودند از: دمکراسی، استقلال ملی و ترقی اجتماعی. بیابید نظری به سرنوشت این سه آماج در دوران پس از انقلاب بپفکنیم.

در مورد دمکراسی باید گفت که خواست های توده های انقلابی سر تا پای جواب مانده است. اگر از گام های کوچکی که در مرحله اول انقلاب برداشته شد بگذریم، باید بگوییم که در تاریخ جدید ایران، هیچگاه چنین حکومت خون آشام و ددمنشی بر کشور ما مستولی نبوده است. این رژیم بدیهی ترین اصول دمکراسی و حقوق بشر را زیر پا گذاشته است. بنا بر ارقام موثق که انتشار یافته است، در سه سال اخیر بیش از ده هزار تن از شهروندان کشور، اعضاء احزاب و سازمان های دمکراتیک در برابر جوخه اعدام قرار گرفته اند. در میان اعدام شدگان عده زیادی پسران و دختران نوسال دیده میشود. بسیاری از این اعدام ها بدون هیچگونه محاکمه انجام شده است. در همانحال اتفاق افتاده است که تنها در یک روز، یک حاکم شرع، دهها انسان بیگناه را به مرگ محکوم کرده است. در فوریه گذشته یک گروه ده نفری از زندانیان توده ای، که در میان آنها عده ای از افراد نظامی قرار داشتند، در برابر جوخه آتش قرار گرفتند. این افراد در یک دادگاه با اصطلاح انقلابی - نظامی که در راس آن یک دژخیم بدنام، یک آخوند سادیست قرار داشت، به مرگ محکوم شده بودند، این دژخیم اکنون وزیر اطلاعات و امنیت ایران است. در میان اعدام شدگان، فرمانده نیروی دریایی ایران، و گروهی از افسران عالیرتبه دیگر وجود داشتند، که مین پرستی و شرافت آنها و وفاداریشان به آرمان های انقلاب، معروف خاص و عام بود.

در حال حاضر هزاران تن از اعضاء حزب ما، از جمله بسیاری از رهبران حزب در زندانها هستند. این افراد مورد وحشیانه ترین شکنجه های جسمی و روحی قرار دارند. گذشته از آن، چند تن از رهبران حزب ناپدید شده اند. این تنها حزب ما نیست که آماج فجایع رژیم اسلامی است. این

ماچرایی است که برای تمام سازمانهای دمکراتیک و ترقیخواه رویداده است.

اکنون اجازه بدهید چند کلمه درباره سرنوشت آماج دوم انقلاب، یعنی استقلال ملی صحبت کنم. پس از پاره ای قدمهای مثبت که بعد از پیروزی برداشته شد، در دوران اخیر، روحانیون ارتجاعی حاکم، به حرکت دائم خود به سمت راست ادامه می دهند. حملات لفظی بر ضد "شیطان بزرگ" ادامه دارد، ولی این حملات در واقع وسیله ای است که توجه افکار عمومی را از واقعیت سیاست خارجی ایران منحرف کند. ایران امروز، از نظر اقتصادی و مالی، پیش از پیش به دنیای سرمایه داری وابسته است. منبع اساسی درآمد ایران نفت است، و نفت ایران زیر کنترل انحصارات نفتی سرمایه داری است. سیاست خارجی ایران در ارتباط با مسائل مهم بین المللی، سفیانه و ماچراجویانه است. روش روحانیون متعصب حاکم، در قبال مهمترین مسئله دوران ما، یعنی صلح، حداقل بسیار سبکسرانه است. دولت ایران تنها دولت در دنیای کنونی است که رسماً صلح را نکوهش می کند و جنگ را می ستاید؛ همین چند هفته پیش بود که آیت الله خمینی، ضمن صحبت درباره جنگ ایران و عراق، هواداران صلح را مورد حمله شدید قرار داد. او گفت: "این یک رحمتی است برای عالم، و یک رحمتی است برای هر ملتی. آنها کمان می کنند اسلام نگفته است جنگ، جنگ تا پیروزی اشتباه می کنند. قرآن همه بشر را دعوت می کند به مقابله برای رفع فتنه، یعنی جنگ جنگ تا رفع فتنه در عالم ادامه دهند". مهربان جمهوری اسلامی اندیشه همزیستی مسالمت آمیز سیستم های مختلف اجتماعی را هم اکیداً رد می کنند. در نظر آنها همزیستی مسالمت آمیز سیستم های مختلف اجتماعی چیزی نیست، مگر "سازش غیر اصولی و فاسد میان آنتیسم کمونیستی و سرمایه داری غربی".

حکام بنیادگرا و ارتجاعی ایران صریحاً می گویند که صدور انقلاب اسلامی، یکی از اصول اساسی سیاست آنهاست. بدنبال همین راه و بر اثر مداخله در امور داخلی عراق، به رژیم آن کشور بهانه دادند تا در سپتامبر ۱۹۸۰ کشور ما را مورد تهاجم قرار دهد. این جنگ که یکی از طولانی ترین و خونین ترین جنگ های تاریخ کشور ماست، اکنون پنج سال است که ادامه دارد. صدها هزار تن از مردم بیگناه، در دوسوی جبهه بخاک افتاده اند. شماره معلولین و مصدومین از یک میلیون افزونست. بیش از سه میلیون بی خانمان شده اند. صدها شهر و ده ویران گردیده اند. دهها کارخانه و موسسه صنعتی در آتش سوخته اند. و این تنها گوشه ای است از نتایجی که این تراژدی بزرگ انسانی در برداشته است. مدتهاست که امکان داشت و اکنون هم امکان دارد که این جنگ را باسانی متوقف کرد. ولی لجاجت و روش نابخردانه و جنون آمیز حکام ایران، مانع اساسی حصول این مقصود است. در این زمینه شخص آیت الله خمینی مسئولیت بزرگی بعهده دارد. تلقی او از این جنگ سطحی و کمراه کننده است. او خطاب به هواداران خود می گوید:

## افزایش دستمزدها: خواست عمومی کارگران و زحمتکشان

بغیبه از صفحه ۱

برای اعتلای سطح زندگی آنان منجر نشده است. اکنون که سال ۶۲ به پایان خود نزدیک میشود، شوری عالی کار بنا به رسم معمول در جلسات خود موضوع حداقل دستمزد کارگران را مورد بررسی قرار خواهد داد. خانه کارگر زیر فشار زحمتکشان کمیونیونی برای بررسی، پیشنهادات و طرح های کارگران درباره افزایش دستمزدها تشکیل داده است. آقای حسن آقایی عضو شورای عالی کار که بدون مشورت با کارگران از طرف مقامات حکومتی بعنوان نماینده کارگر در شورای عالی کار تعیین شده است، در جلسه آذرماه خانه کارگر گفت: "حدود ۴٪ درآمد یک کارگر صرف مواد خوراکی مورد احتیاج او و خانواده اش می شود و مناسبانه همین مواد خوراکی هم از اول انقلاب تاکنون بیش از ۲٪ با افزایش قیمت داشته است". او اظهار امیدواری کرد که بتواند امسال "حداقل دستمزدها و حداقل حقوق را اقل به مبلغی که بانک مرکزی اعلام کرده است" برسانند. در سال اخیر که حداقل دستمزد ثابت نگه داشته شده، مقامات مسئول همواره استدلال می کردند که دلیل این امر آنست که افزایشی در حقوق و دستمزد زحمتکشان باعث تشدید تورم در جامعه خواهد شد. باید پرسید اکنون چه عاملی باعث شده است که به فکرتر میم حداقل دستمزد پر آیند؟ علت را باید در مبارزه اعتصابی روبه رشد کارگران جستجو کرد.

اگر چه یک مقام پر مسئولیت وزارت کار در ۶ آذرماه ۶۲ به روزنامه کیهان گفت "ما قصد نداریم دستمزدها را افزایش دهیم" معهذا حکومت قادر به مقاومت در برابر خواست یکپارچه طبقه کارگر برای تغییر سطح دستمزد نخواهد بود. به همین دلیل تصمیم دارند تغییرات ناچیزی متناسب با نرخ تورم اعلام شده توسط بانک مرکزی برای سال ۶۲ در دستمزدها بدهند. بانک مرکزی ج.ا. چه ارقامی را اعلام می کند؟ کارشناسان بانک مرکزی خارج از واقعیات زمان زندگی می کنند. تورم و گرانی به سرعت سرسام آوری بالای رود ولی آنها با یک تصمیم از قبل تعیین شده رقم های ۱۵٪ و ۲۰٪ را برای افزایش شاخص قیمت کالاها و خدمات در عرض ۵ سال اخیر اعلام کرده اند.

برای اینکه تصویری از زندگی زحمتکشان و کسانی که حداقل دستمزد را دریافت می دارند، بدست دهیم به آخرین آمار منتشره از سوی مرکز آمار ایران مراجعه می کنیم. مرکز آمار ایران برخی از اقلام هزینه خانوار شهری در گروه درآمد ماهانه ۲-۳ هزار تومان را در سال ۶۱ به شرح زیر اعلام کرده است:

"هزینه پوشاک و کفش ۲۸۷ تومان، هزینه آب، سوخت، روشنایی ۸۹ تومان هزینه های خوراکی ۱۹۶۲ تومان". اگر چه در این آمار هزینه آموزش، درمان و بهداشت، مسکن، ایاب و ذهاب، تفریحات سالم و... ذکر نشده است، معهذا جمع ۲ قلم هزینه فوق ۲۳۲۹ تومان و به تنهایی ۲۲٪ بیش از درآمد کسانی است که حداقل دستمزد را دریافت می کنند! هزینه ماهانه خوراک که در این آمار ذکر

شده است معادل یکماه (۲۱) روز درآمد دریافت کنندگان حداقل دستمزد است. حال باید از مرتجعین حاکم که مدعی توجه به "معنویت" انسانها هستند پرسید آیا نیاز یک انسان زحمتکش و اقرا خانواده اش در نظام ج.ا. فقط نیاز به خوراک است؟ همین رقم ۱۹۶۲ تومان نیز بهیچوجه برای هزینه خوراک یک زن و مرد و ۲ کودک کافی نیست. نگاهی به قیمت گوشت و برنج، حبوبات، میوه و سبزیجات عدم کفایت این رقم را نشان می دهد.

آیا طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ما که مولد ثروت های جامعه اند، حق ندارند از حاصل کار و رنج خود برخوردار شوند؟ آیا جامعه ما توان پاسخگویی به نیازهای روبه رشد مادی و معنوی زحمتکشان را نداشته است.

## جامعه ما توان ارتقاء سطح زندگی زحمتکشان را دارد

میهن ما دارای ذخایر عظیم مادی و معنوی است. در صورت حاکمیت نیروهای ملی و مترقی ۱۶ میلیون نفر نیروی کار میهن ما با بهره گیری از ثروت های عظیم طبیعی می توانند جامعه ای آزاد و میهنی آباد را پایه ریزی کنند که در آن هرکس که کار می کند از ارج و احترام برخوردار باشد و از حاصل رنج و کارش ثمر بگیرد. اما حاکمیت مرتجع ج.ا. همچون سلف خود رژیم ستمشاهی چه کرده است؟ از افزایش دستمزد زحمتکشان جلوگیری کرد تا سرمایه داران غارتگر روز بروز فربه تر شوند و ارکان اقتصاد و سیاست مملکت را محکمتر در دست بگیرند. در ۵ سالی که دستمزد زحمتکشان ثابت نگه داشته شد، حجم نقدینگی بخش خصوصی از ۹۱۹۲۲۵ میلیارد ریال (۵۹ سال) به ۷۲۰۰ میلیارد ریال (سال ۶۲) افزایش یافت. روزانه بیش از ۲۰۰ میلیون ریال در کوره جنگ ریخته میشود و تاکنون بیش از ۲۵۰ میلیارد دلار خسارت بر منابع و ثروت های ملی ما وارد شده است. در تمام دوران جنگ هرساله بیش از ۴۰٪ بودجه به جنگ اختصاص یافته و میلیونها آواره و بیکار نصیب مملکت شده است. آیا این ارقام نجومی که به کیسه سرمایه داران و انحصارات غارتگر بین المللی سرازیر میشود و یا در جیب های جنگ دود میشود، نمیتوانست برای بهبود سطح زندگی زحمتکشان بکار گرفته شود؟

درج.ا. سرنوشت نیروی کار جامعه و فرزندان آنها بازیچه دست سرمایه داران و حاکمان مرتجعی است که سر بر آستان سرمایه نهاده اند. دفاع بی چون و چرا از "مالکیت" و "سرمایه" سیاست رسمی رژیم ج.ا. است. دادستان کل کشور در نماز جمعه قم به صراحت اعلام کرده است: "در این مملکت، آنچه که از جان و ناموس افراد همتر است مسئله مالکیت است. لذا دادگاه های مادر جهت حفظ مالکیت و حقوق از دست رفته مسلمین حرکت می کنند" (کیهان ۱ دی ۶۲)

با اتخاذ راه یکبار آزموده و نکبت بار سرمایه داری و اباسته فقر را بر طبقه کارگر تحمیل

می کنند، کارخانجات و موسسات مصادره شده را به سرمایه داران بازمی گردانند و با ثابت

نگهداشتن دستمزد زحمتکشان امکان غارتگری بی بند و بار را برای سرمایه داران فراهم می کنند. زحمتکشان میهن ما با مبارزات اعتصابی یکپارچه خود پاسخ شایسته را به این سیاست ها خواهند داد.

## شیوه های مبارزه کارگران

ایدک در آستانه تصمیم گیری شورای عالی کار در مورد حداقل دستمزد، توده های کارگر در کارخانجات و کارگاه ها وسیعا به ابراز نظر در این مورد می پردازند. در برخی از کارخانه ها، کارگران با برپایی مجمع عمومی و بحث در مورد گرانی مایحتاج عمومی، میزان دستمزد درخواستی خود را مطرح می کنند. زمزمه مبارزه اعتصابی برای قبولاندن میزان درخواستی اضافه دستمزد در بسیاری از کارخانه ها بالا گرفته است. کارگران نمایندگان شو راهای موجود را زیر فشار قرار داده اند تا با طرح خواسته هایشان در خانه کارگر، مطبوعات و رادیو، این مبارزه برحق زحمتکشان را در سطح جامعه انعکاس دهند. بازتاب برخی از این مطالبات در روزنامه ها و رادیو، ناشی از موافقت گردانندگان رژیم با خواست کارگران نیست. اوچگیری اعتصابات رژیم را متوحش کرده است. از آغاز سال ۶۲ تاکنون بیش از ۱۰۰ اعتصاب کارگری در کارخانه های میهن ما وقوع پیوسته است. در اکثر این اعتصابات اضافه دستمزد بعنوان عمده ترین خواست کارگران مطرح شده است. در کارخانه هایی که نیروهای سرکوبگر با تمام قوا از تجمع کارگران جلوگیری می کنند، زحمتکشان در رختکن، رستوران، اتوبوس و یا هوسیله تراکت و نوشته خواست خود را با همکارانشان مطرح می کنند.

هسته های مخفی فعالین صنفی که در اکثر کارخانه ها بوجود آمده اند مبارزه زحمتکشان را رهبری نموده و تفرقه افکنی های "انجمن های اسلامی" و مدیران را خنثی می کنند. فعالین صنفی کارخانه ها در جهت برقراری ارتباط با دیگر واحدهای هم رشته خود و یابا فعالین کارگری کارخانجات مجاور، کوشش می کنند. در جریان اعتصاب عظیم کارگران ذوب آهن، نمایندگان کارگران ۸ کارخانه فلزکاری و ریخته گری در تهران برای ابراز همبستگی با اعتصابیون گردهم آمدند و نسبت به اقدامات سرکوبگرانه حکومت ابراز انزجار کردند.

تجربه پیروزمند اعتصاب عظیم و سراسری کارگران که ۶ سال پیش رژیم پهلوی را به زباله دان تاریخ افکند هنوز فراموش نشده است. وعده و وعید مقامات و یا افزایش ۲۰٪ و ۲۰٪ به دستمزد و حقوق زحمتکشان آنان را نخواهد فریفت. مبارزه اعتصابی که از ابتدای سال ۶۲ آغاز شده است تا پیروزی نهایی ادامه خواهد یافت. فعالین صنفی باید بکوشند با حفظ یکپارچگی کارگران اعتصابات را رهبری کنند و خواسته های کارگران را بهر طریق ممکن در سطح جامعه وسیعا منعکس نمایند.

## کارزار جهانی دفاع از زندانیان توده‌ای

### تلگرام اکثریت پارلمان اسپانیا به وزیر دادگستری ایران

۲۰۲ نفر از اعضا فراکسیون پارلمانی سوسیالیست ها (اکثریت اعضا مجلس اسپانیا) ضمن ارسال تلگرامی به وزیر دادگستری ایران خواستار لغو احکام اعدام برخی از اعضا کادر رهبری حزب توده ایران و رعایت و اجرای حقوق بشر در ج.ا. شدند. متن تلگرام یاد شده چنین است:

آقای حسن حبیبی وزیر دادگستری، تهران- ایران

بر اساس اطلاعات رسیده مبنی بر صدور حکم اعدام برای دهیراولا و دیگر رهبران و اعضای حزب توده ایران، ما ۲۰۲ نفر نماینده سوسیالیست پارلمان - اکثریت اعضای پارلمان ما - نگرانی خود را ابراز می داریم و از شما می خواهیم که با احترام به حقوق بشر که اساس رشد تمام خلقهاست احکام اعدام لغو شود.

ادوارد مارتین تووال - دبیر کل گروه پارلمانی سوسیالیست ها، کنگره نمایندگان اسپانیا

### اعتراض احزاب، سازمانها و شخصیتها

انتشار خبر محاکمات فرمایشی کادر رهبری حزب موجب واکنش شدید نیروهای مترقی اسپانیا شد:

- سازمان عفو بین المللی (اسپانیا) ضمن ارسال یک نامه اعتراضی به سفارت ج.ا. خواستار قطع محاکمات و لغو احکام اعدام شد. سازمان عفو بین المللی با اشاره به اعدام نظامیان توده‌ای، اظهار نگرانی کرده است که خطر اعدام عده ای از اعضا رهبری حزب را تهدید می کند.

- سازمان حقوق بشر (اسپانیا) ضمن اعزام هیئتی به سفارت ج.ا. خواستار لغو احکام اعدام و آزادی زندانیان توده‌ای شد.

- انجمن خبرنگاران و فدراسیون جوانان اسپانیا ضمن ارسال نامه ای به سفارت ج.ا. خواستار نظارت بر محاکمه رهبران حزب توده ایران شدند.

- مارسلینو کاماچو، رئیس سندیکای کارگری (C.C.O.O) اسپانیا و یکی از قهرمانان مبارزه با فاشیسم در این کشور همراه با هیئتی به سفارت ج.ا. در اسپانیا مراجعه کردند و با تسلیم اعتراضیه ای، صدور احکام اعدام رهبران حزب را در ج.ا. شدیداً محکوم کردند.

- رافائل آلبرتی - شاعر بزرگ اسپانیایی، با ارسال نامه ای به سفارت ج.ا. صدور احکام اعدام برخی از رهبران ج.ا. را محکوم کرد.

- اتحادیه عمومی کارگران U.G.T) وابسته به سوسیالیست ها) با ارسال پیام اعتراضی به سفارت ج.ا. صدور احکام اعدام را در مورد برخی از رهبران ج.ا. محکوم کرد.

## متن سخنرانی ...

بقیه از صفحه ۴

"اگر شما دشمن را بکشید به بهشت می روید، اگر دشمن شما را بکشد باز هم به بهشت می روید. به هر صورت پرنده جنگ شما هستید". بعد از پنجسال جنگ هلاکتبار، متأسفانه هنوز عده زیادی از مردم ساده دل مذهبی در ایران این سخنان را باور می کنند. در اینجا من قصد ندارم درباره انعکاس بین المللی جنگ ایران و عراق صحبت کنم. همینقدر باید گفت که این جنگ منحصر با نفع امپریالیسم و سرسپردگان آن در منطقه است.

رهبران ایران، در همانحال که به جنگ درجهبه غرب ادامه می دهند، فتنه گری بر ضد جمهوری دمکراتیک افغانستان را از یاد نبرده اند. آنها، دست در دست عمال امپریالیسم و باصطلاح سیاستمداران اسلامی از قبیل ضیاءالحق، به گروههای مسلحی که بر ضد حاکمیت خلقی کشور همسایه ما می جنگند، کمک سیاسی و مادی می کنند.

درباره ترازنامه عمل سران جمهوری اسلامی، در مورد سومین آماج اساسی انقلاب، یعنی ترقی اجتماعی نیازی به بحث زیادی نیست. من فقط به چند نکته اشاره می کنم: زنان ایران که نیمی از شهروندان کشور ما را تشکیل می دهند، تمام حقوق دمکراتیک و انسانی خود را از دست داده اند. شلاق زدن و سنگسار کردن زنان، بدلیل مضحک، یک امر عادیست. طبق قانون مجازات عمومی که بر اساس اصول اسلامی تدوین شده است، وحشیانه ترین مجازات ها، بعلت جرائم کوچک، اعمال میشود. تاریخ کهنسال ایران، فرهنگ ملی،

در اعلامیه پایانی کنفرانس سیاست سرکوبگرانه رژیم اسلامی ایران با تفاق آراء محکوم گردید. در اعلامیه گفته میشود: "شرکت کنندگان در کنفرانس جنایات رژیم بنیادگرای ایران را در مورد بازداشت، شکنجه و قتل اعضا حزب توده ایران و سایر نیروهای دمکراتیک و مترقی ایران محکوم می کنند".

در جای دیگر اعلامیه درباره جنگ ایران و عراق گفته میشود: "ادامه جنگ ایران و عراق تنها ب نفع امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی در دو کشور و در منطقه است. قطع فوری جنگ میان عراق و ایران

- احزاب کمونیست اسپانیا (P.C.E) و (P.C) ضمن ارسال تلگرامهایی به مقامات ایرانی و سفارت ج.ا. در اسپانیا توطئه جدید علیه حزب توده ایران را شدیداً محکوم کردند.

### اعتراض وسیع روزنامه‌ها

- "ال پائیس" روزنامه پرتیراژ اسپانیایی مقالاتی درباره اوضاع و احوال ایران و محاکمات کادر رهبری حزب توده ایران منتشر کرد. این روزنامه تحت عنوان "قرنها زندان" به شرح مهارزات قهرمانانه زندانیان توده‌ای پرداخت که مجموعاً قرنها را در سیاهچال ها پسر کرده اند.

ادبیات، موسیقی، معماری و زبان ما آماج حملات وقفه ناپذیر روحانیون تاریک اندیش است. اصلاحات محدود اجتماعی و اقتصادی که در نخستین مرحله انقلاب بعمل آمده، اکنون بتدریج لغو میشود. واگذاری صنایع دولتی شده به مالکین خصوصی هم اکنون در مرحله اجراست. رفم ارضی و قانون ملی کردن تجارت خارجی بدست فراموشی سپرده شده است. سرمایه داری یکبار دیگر در حال رشد است و این بار در پرتو عنایات رهبران رژیم. از وعده های تساوی طلبانه، پوپولیستی و پاترنالیستی سالهای اول انقلاب اثری پرچای نمانده است.

رفقای عزیز، ایران اکنون یکی از غم انگیزترین دورانهای تاریخ طولانی خود را می گذراند. درباره حزب ما نیز جریان از همین قرار است. ولی من باید هشما بگویم که حزب ما در هم نشکسته است. حزب ما زنده است و مبارزه می کند. رژیم ارتجاعی مذهبی آیت الله خمینی، مانند سلف شاهنشاهی خود، قادر نخواهد بود مقاومت قهرمانانه طبقه کارگر ایران و پیشاهنگ آن زادر هم شکند.

رفقا، در این مبارزه، برای بودن یا نبودن، ما به کمک عاجل و همه جانبه احزاب برادر و سازمانهای دمکراتیک سراسر جهان نیاز داریم. ما به کمک شما نیاز داریم تا جان رفقای خود را از خطر مرگ نجات دهیم. ما اطمینان را سخ داریم که حاکمیت ددمنشانه روحانیون مرتجع پدرازا نخواهد کشید. تاریخ به پیش می رود و به عقب بر نمی گردد. با تشکر از توجه شما.



یک امر عاجل است و حل اختلافات میان دو کشور با استفاده از طرق صلح آمیز و بر اساس احترام متقابل و رعایت استقلال و حاکمیت ملی دو کشور، بر طبق موازین حقوق بین المللی، امکان پذیر است. نقل و انتقالات اخیر واحدهای ناوگان آمریکا و سایر کشورهای امپریالیستی در مناطق خلیج فارس و دریای سرخ و همچنین تشدید تضحیفات ضد دمکراتیک برخی از کشورهای ساحل خلیج، با استفاد وجود جنگ، ضرورت پایان دادن به جنگ را بیش از پیش به یک امر عاجل مبدل می کند. ●

"ال پائیس" درباره استفاده از داروهای شیمیایی و مواد مخدر و شکنجه های وحشیانه جسمی و روانی، همچنین استفاده از روش های سینماتوگرافی برای گرفتن باصطلاح "اعترافات" توضیح داده و اعلام کرده است که این محاکمات بی اعتبار و غیر قانونی است.

در این روزنامه همچنین اشاره شده که ضربه به حزب توده ایران، یکی از قدیمی ترین احزاب کمونیست منطقه - به مفهوم صاف کردن جاده برای حضور مجدد امپریالیسم در کشور و خراب کردن رابطه با اتحاد شوروی است.



## اینان کی اند؟

خاموش نیستم

نه

میندار

اینک منم که شعله ورم در خود  
در گمگمای خویش قدح نوش نیستم

آری منم که می نگرم هر سو  
در آتشی که شعله در افکنده کوبه کو  
در خیل گزمگان که بر هر برزن  
با تازیانه دارند  
با خلق گفتگو

آه ای وطن بگو  
کاین ابر تیره چیست که می آید  
و خرد خرد تو را در خود  
می پوشد ای بزرگ؟!  
وین خشم خیره چیست که در جانم  
فریاد می کشد

اینان کی اند

کی اند

که کشتار می شوند؟

اینان کی اند که ره پویان  
گاهی به جرم لبخند  
گاهی به جرم نفرت از بند  
در هر کنار و گوشه گرفتار می شوند؟

اینان کی اند؟ کی اند که بیگانهان

در هر چهارراهی

بردار می شوند

وینان کی اند؟ کی اند که در چشم فاجعه  
زل می زنند و دیر خبردار می شوند؟  
ای دوست در عبور توتنهایی ست  
پیش از سلام خدا حافظی؟  
چه سود؟

اینک منم که با تونفس می کشم

اینک تویی که دست به پس می کشی

با من بگو بگو

دیگر چقدر وقت درو کردن

دیگر چقدر وقت برای درو شدن باقی ست؟

جلال سرفراز

## ضرورت اتحاد نیروهای... بقیه از صفحه ۲

معنای لزوم اتحاد نیروهای انقلابی در راه علی  
شدن اهداف مشترک، از جمله نجات دهها هزار  
نفر از بهترین فرزندان خلق از چنگ دژخیمان  
است. ما چنانکه کراراً گفته ایم دست یاری به سوی  
همه نیروهای مترقی و دمکراتیک دراز میکنیم که  
در تحقق این امر انسانی در چهارچوب یک  
جبهه واحد با ما همزمان و همصدا بشوند.

## خبرنگار "نامه مردم" در میان مردم

## میهمانی در هتل هما

وزیر کار و امور اجتماعی در اواخر آبان ماه،  
عده زیادی از سرمایه داران، تجار بزرگ  
بازار و اعضای اتاق بازرگانی و صنایع و معادن  
ایران را به میهمانی نهار در هتل هما (شرایطتون  
سابق) دعوت کرد.

در این گردلمایی، سرمایه داران بزرگ  
نگرانی عمیق خود را از بروز "ناآرامی" در  
میان کارگران به وزیر کار ابراز کردند و  
این "ناآرامی ها" را یکی از دلایل بی اعتمادی  
بخش خصوصی برای سرمایه گذاری در بخش  
تولید دانستند. وزیر کار طی سخنان خود سرمیز  
نهار به ناتوانی دولت در استقرار "امنیت"  
مطلوب سرمایه داران اعتراف کرد و گفت:

"کلمه سرمایه دار را استعمارگران و  
توطئه گران وابسته به "شرق" در فرهنگ میهن  
اسلامی ما وارد کردند و این کلمه اسلامی  
نیست. در مملکت ما الان سرمایه دار به آن  
مفهوم وجود ندارد. چند نفری بودند که قبل از  
انقلاب فرار کردند و از ایران رفتند.  
متأسفانه ما نتوانستیم بنا بر توصیه های مکرر  
رهبر انقلاب، آنطور که باید و شاید، رضایت  
فشارزنده و موهمن بازاری را جلب کنیم. ما  
بی تجربه هستیم و باید کنار برویم تا راه برای  
شما که تجربه و تخصص دارید باز شود. شما باید  
رشته امور رادر دست بگیرید تا انشاءالله با  
کمک شما اوضاع مملکت و مخصوصاً اوضاع  
اقتصادی و سوسامانی بگیرد".

## نشانه های پیشرفت در کشور ما

در دانشگاه "آزاد اسلامی" هنگام سخنرانی  
پرسر مسئله "حجاب" رییس یکی از دانشکده ها  
دانشجویان را تهدید کرد که مبادا در محیط  
دانشکده گروه بازی و خط بازی در آورید و روی  
دیوار شعار گروه ها را بنویسید... ما خط شناس  
داریم و نویسنده شعار را پیدا می کنیم و حتما  
تحویل کمیته یا سپاه می دهیم. در این جلسه یک  
نفر روحانی ضمن سخنرانی طولانی خود درباره  
"حجاب" گفت: زنان کشور ما از اول دارای  
حجاب بودند، حتی روپنده هم داشته اند و حتی  
کشور ما نسبت به دیگر کشورها آنقدر پیشرفته  
بود که مردها برای اینکه زنها از دید نامحرم  
دور بمانند آنها را زندانی می کردند. وی به  
دختران و زنان دانشجو توصیه کرد تا آنجا که  
ممکن است هنگام گفتگو با مردها خشن، خشن،  
خشن صحبت کنید. سخنرانی او موجب تفریح و  
خنده دانشجویان شد.

## جمع آوری کتابها

دیوانهای اشعار ایرج میرزا و عارف از  
کتابفروشی های تهران جمع آوری شده است. در  
چند ماه اخیر تعداد کتابهای جمع شده بالغ بر  
صدها عنوان می شود.

## درباره دستمزد کارگران

در آذرماه ۱۳۶۲ به مدت یک هفته، هر روز  
دست نوشته ای توسط کارگران در رخت کن یکی  
از کارگاههای کارخانه کفش ملی نصب میشد  
که خشم و کینه انجمن اسلامی کارخانه را برمی  
انگیخت. هر روی تکه ای مقروا نوشته می شد

۱۳۵۹ = ۶۲۵۰

۱۳۶۲ = ۶۲۵

۱۳۶۴ = ؟

هر یک از کارگران در برابر عدد ۱۳۶۴ رقمی  
می نوشت. این ارقام از ۲۰۰ تا ۲۵۰ تغییر میکرد  
. پس از یک هفته که "انجمن اسلامی" در رختکن  
چاسوس گمارد و به تهدید کارگران پرداخت،  
دست نوشته مزبور دیگر در رختکن ظاهر نشد.  
اما در عوض، مباحثات پر شور کارگران در  
مورد حداقل دستمزد، گرانی و فقر زحمتکشان  
در کارخانه بالا گرفت. کارگران علناً سیاست  
ضد کارگری رژیم را مورد انتقاد قرار  
میدادند و به ثابت ماندن حداقل دستمزد از  
سال ۱۳۵۹ تا کنون اعتراض میکردند. کارگران  
میگویند: "با ۶۲۵ ریال حداقل دستمزد روزانه  
که از ۵ سال پیش تا کنون ثابت مانده حتی  
نمی توان مسکن مناسبی اجاره کرد". آنان با  
ذکر قیمت مایحتاج عمومی و مقایسه آن با  
قیمتهای سال ۱۳۵۹، میگویند: "با روزی ۲۰۰ تا  
۲۵۰ ریال به زحمت میتوان از پس مخارج کمر  
شکن زندگی برآمد".

## ترک تحصیل دانش آموزان دختر

روز بروز بر تعداد دختران دبیرستانی که  
ناچار از ترک تحصیل می شوند، افزوده می شود.  
بعضی خانواده ها بدلیل وضع بد حاکم بر  
دبیرستانها و تبلیغات مسئولین مدرسه در  
ارتباط با "صیغه" شدن دخترها، معلم سرخانه  
می گیرند. فرزندان چند خانواده در یکجا جمع  
می شوند و هزینه تدریس را با هم تقسیم  
می کنند.

## سانسور نامه های خارجی

نامه های خارجی اغلب سانسور می شوند. از  
نامه های خارجی، آنها که بدست صاحبان نشان  
می رسد مجاله شده، کتیف و علامت خورده  
است. بخش مهمی از نامه های خارجی توسط  
ماموران ضد مطبوعاتی سانسور می شود.

## تولید پنجاه درصدی

به گفته مدیریت یکی از کارخانجات صنایع  
ملی، در شرایط کنونی ظرفیت تولید در بهترین  
حالت ۵۰ درصد است. وی علت پایین آمدن  
تولید را، کمبود مواد اولیه، عدم مدیریت  
صحیح و نارضایتی شدید کارگران ارزیابی کرد.

## مصاحبه رفیق گرومیکو

سیزدهم ژانویه رفیق آندری گرومیکو چنانشین اول رییس شورای وزیران و وزیر امور خارجه اتحاد شوروی در یک مصاحبه مطبوعاتی با چهار تن از مفسران سیاسی رسانه های گروهی و خبرگزاری اتحاد شوروی شرکت کرد و به پرسشهای آنان پیرامون مواضع اتحاد شوروی در گفتگوهای ژنو پاسخ گفت.

رفیق گرومیکو نتایج گفتگوها را در مجموع مثبت ارزیابی کرد اما افزود اگر بخواهیم واقعا به مسابقه تسلیحاتی پایان دهیم و خطر جنگ را بر طرف سازیم نمی توانیم مسابقه را در روی زمین قطع و در فضای کیهانی آن را دنبال نماییم. این عمده ترین مسئله ای بود که در پزیر شرکت کنندگان در گفتگوهای ژنو قرار داشت. ما بارها گفته بودیم که فضای کیهانی نباید عرصه گشاده ای برای مسابقه تسلیحاتی باشد و در ژنوو نیز آنرا تکرار کردیم. دستیابی به توافق آسان نبود ولی بالاخره قرار شد این مسئله نیز مورد بررسی قرار گیرد.

ایالات متحده آمریکا می کوشید گفتگوها را در اطراف آن مسائلی محدود کند که قهلا در مورد آنها مذاکراتی انجام گرفته بوده است.

اتحاد شوروی پنحوی قاطع مخالف این موضعگیری بود و واعتقاد داشت که کنار گذاشتن مسائل مربوط به مسابقه تسلیحاتی در فضای کیهانی ممکن نیست زیرا اگر فرضا در مورد موشکهای استراتژیکی و با برد متوسط توافق هم حاصل شود، ادامه مسابقه تسلیحاتی در فضای کیهانی این توافق را بی ارزش خواهد کرد.

ضمن پاسخ به پرسش دیگری رفیق گرومیکو گفت:

## برگزاری بیستمین سالگرد بنیان گذاری حزب دمکراتیک خلق افغانستان

بیستم دیماه در کابل پایتخت افغانستان جلسه باشکوهی بمناسبت بیستمین سالگرد بنیان گذاری حزب دمکراتیک خلق افغانستان تشکیل شد. در این جلسه هیئت های نمایندگی از سی حزب برادر و دوست و از جمله هیئت نمایندگی حزب توده ایران حضور داشتند. پیش از چهل حزب و جنبش دیگری نیز به این مناسبت پیام های تهنیت برای حزب دمکراتیک خلق افغانستان فرستاده بودند.

رفیق بهرک کارمل دبیر کل کمیته مرکزی حزب و رییس شورای انقلاب طی سخنان خود در این جلسه باشکوه ضمن بررسی راه دشوار پیموده شده توسط حزب در بیست سال گذشته گفت ما از اندیشه های سوسیالیسم علمی الهام می گیریم و هدف مانوسازی جامعه افغانستان بر پایه سوسیالیسم است. به این جهت است که امپریالیسم جنگ اعلان نشده علیه ما انجام می دهد. اما اگر امروز دست به ارزیابی برنیم با غرور بجا می توانیم بگوییم که حزب دمکراتیک خلق افغانستان از پوته آزمایش پیرومند بیرون آمده است.

اگر در آینده ایالات متحده آمریکا همچنان به استقرار موشکهای میان برد خود در اروپا ادامه دهد باید مستقیما بگوییم که وضع بسیار پهن تر خواهد شد. این امر آغاز مذاکراتی را که باید طبق موافقت نامه ژنو انجام شود زیر علامت سؤال خواهد برد.

وزیر امور خارجه اتحاد شوروی سپس ضمن پاسخ به پرسش دیگری افزود: اینک وضع دیگری وجود دارد. مسئله جنگ افزارهای استراتژیکی و میان برد باید همراه با جنگ افزارهای کیهانی مورد گفتگو قرار گیرد. مهمترین چیز در نظر گرفتن این نکته است که همه اینها یک کمپلکس واحد را تشکیل می دهند... در حساب آخر برای مردم علی السویه است که با چگونه سلاحی کشته می شوند: با بمبی که از فضای کیهانی می آید، یا از گلوله ای که توسط موشکهای استراتژیکی شلیک می شود و یا با موشکهای میانبرد.

طی پاسخ به پرسشی در این زمینه که اگر ایالات متحده آمریکایی بخشی از موافقت نامه را که مربوط به خودداری از مسابقه تسلیحاتی در فضای کیهانی است رعایت نکند چه خواهد شد، رفیق گرومیکو یادآور گردید: پیامدهای آن بسیار سنگین خواهد بود. در اینصورت گفتگوها قطع خواهد شد. یا با مسئله باید بطور جدی برخورد شود دامنه مسابقه تسلیحاتی به فضای کیهانی نکشد و یا مسابقه تسلیحاتی بطور کلی در همه عرصه ها ادامه خواهد یافت. تدابیر نیم بند به حل مسئله کمک نمی کنند... اینها فرمولبندی های اغراق آمیز نیست. هنگامیکه مسئله "جنگ های ستارگان" و سیستم وسیع دفاع ضد موشکی مطرح می

شود، مسئله مرگ و زندگی بمیان می آید. ما فکر می کنیم وظیفه داریم حقیقت را نه فقط به ایالات متحده بلکه به تمام جهانیان اعلام نماییم... ایالات متحده آمریکا در آغاز مذاکرات ژنو مطرح می کرد که شما چطور میتوانید با برنامه های کیهانی ما مخالفت کنید در حالیکه تنها مقصد دفاعی دارد. ما میخواهیم چنان وسائل درست کنیم که موشک های دشمن را که بسوی ما پرتاب شده است پیش از رسیدن به هدف نابود نماید. این یک امر دفاعی است.

در اینجا با یک مشی مکارانه و بسیار مودبیانه سرو کار داریم. تصورش را بکنید که چنین سیستمی ایجاد کنند و بعنوان سپری در اختیار دولت آمریکا قرار گیرد... اما این واقعیت که از پشت این سپر میتوان موشکها را بسوی کشور دیگر - بسوی اتحاد شوروی پرتاب کرد چه میشود؟ وانمود می کنند که چنین خطری وجود ندارد و حتی میکوشند ما را قانع سازند. میکوبند ایالات متحده آمریکا قصد حمله به اتحاد شوروی را ندارد. ما می پرسیم پس اتحاد شوروی فقط باید روی وجدان شما حساب کند؟ روی وجدان واشنگتن؟ اولاما بدلیل زیاد اعتقاد نداریم که واشنگتن بقدر کفایت وجدان داشته باشد و ثانيا به آنان گفتیم بیابید در عالم تصویریک لحظه مواضع خود را با هم تعویض نماییم و شما روی وجدان ما حساب کنید. آیا این اطمینان برای شما کافی است؟

ممکن است کاربرد صفت "دفاعی" برای این برنامه پرخی محافل اجتماعی را در آمریکا فریب بدهد. اما باید تاکید کرد که در اینجا مطلقا هیچ امر دفاعی وجود ندارد. این جنگ افزارها تهاجمی است و اگر صادقانه بگوییم مجموعه این برنامه تهاجمی است. حتی اگر باور کنیم. که ایالات متحده آمریکا پس از ایجاد این سیستم از آن استفاده نکند میتواند باتکیه بر آن شرایط خود را به اتحاد شوروی تحمیل نماید.

میخواهم از نو تاکید کنم که پایه خارا این برای اقدامات در آینده نیز پراهری و امنیت یکسان خواهد بود. پایه دیگری وجود ندارد.

اگر در ایالات متحده آمریکا کسانی هستند که می انگارند آمریکا بهر حال با تحقق برنامه های کیهانی خود به وضع برتر دست خواهد یافت و اتحاد شوروی در موقعیت اطاعت از آنها قرار خواهد گرفت اشتباه می کنند. این یک اشتباه خشن است. چنین وضعی پیش نخواهد آمد.

منابع مادی و فکری ما غول اسا است و برای تامین امنیت ما کفایت می کند.

ف - لاله سوغاتی شما رسید

کمک مالی به حزب توده ایران  
یک وظیفه انقلابی است!

NAMEH  
MARDOM

P. B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

No: 34

JAN. 24, 1985

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق های ایران و جهان!